

Pazhuheshnameh Matin

Journal of The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution

Volume 25, Issue 98, Spring 2023

Resort to Force for Self-Defense in Islam with an Eye on Imam Khomeini's Opinion¹

Ghasem Ghasemi Bivarzani²

Mohammad Rasoul Ahangaran³

Seyed Abulghasem Naghibi⁴

Mohsen Mohebi⁵

Abstract

Research Paper

The current age is full of regional wars in the Middle East and defending the land and frontiers of Islamic Republic of Iran based on geostrategic theories is not restricted to the national geography of this country. The question of how to defend the country at this juncture is an issue of contemplation by the legal and political circles and thinkers, i.e. diplomacy and action. This paper, developed through an analytical-descriptive method and by using library tools has come to the conclusion that a glance at the jurisprudential fundamentals indicates that self-defense, i.e. use of force to avoid damage is obligatory. A clear example of this is the use of force for defense as exception to the principle of prohibition of resorting to force. Of course, jurisprudential approaches toward the issue are sometimes accompanied by differences. The necessity of jihad for defense is not conditional to the decision of the infallible leader or his private or public vicegerent. However, with the presumption of formation of a powerful Islamic rule headed by just and obedient leader, if possible and in case of lack of serious damage for delay in defense until legal permission, defense at the permission and based on the decision of a legitimate leader will be permissible upon his discernment. This paper, reviewing differences in opinions over the issue, intends to clarify self-defense in view of Islam as well as its jurisprudential fundamentals, the extent of jihad for defense, including defense of Islam against conspiracies of the enemies, defending the land and territory of Islam, defending Islamic states, defending Muslim citizens of Islamic states and other believers, and finally terms and restrictions of jihad for defense, concentrating discussion of the issue on Imam Khomeini's viewpoints.

Keywords: use of force, self-defense, jihad for defense, jurisprudential principles, jurisprudential fundamentals, Imam Khomeini.

1. DOI:10.22034/MATIN.2021.289956.189

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.98.1.3

2. PhD Candidate (Theology and Islamic Studies), Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Research and Science Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: ghasemibv@yahoo.com

3. Professor, Department of Theology and Islamic Teachings, Farabi College, the University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
E-mail: ahangaran@ut.ac.ir

4. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Private Law, Motahari University, Tehran, Iran. E-mail: da.naghibi@motahari.ac.ir

5. Associate Professor, Department of International Law, Research and Science Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: sd.mohebi@gmail.com

Received: 2021-06-09 Revised: 2021-11-21 Approved: 2021-11-23

توسل به زور به منظور دفاع از خود در اسلام با نگاهی به دیدگاه امام خمینی (ره)

قاسم قاسمی بیورزنی^۱

محمدرسول آهنگران^۲

سید ابوالقاسم تقیعی^۳

محسن محبی^۴

DOI:10.22034/MATIN.2021.289956.189

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.98.1.3

مقاله پژوهشی

چکیده: عصر حاضر مملو از جنگ های منطقه ای در خاورمیانه است و دفاع از سرزمین و کیان ایران اسلامی بر اساس تئوری های ژئواستراتژیک، محدود به جغرافیای این کشور نیست و در این رهگذر مسئله چگونگی دفاع از کشور در این مقطع زمانی مورد تأمل محافل و اندیشه ورزان عرصه حقوق و سیاست و به تعبیری دیگر، دیپلماسی و میدان است. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه ای به این نتیجه رسیده که نگاهی به مبانی فقهی نشان می دهد که دفاع مشروع و به عبارتی، متوسل شدن به زور به خاطر دفع ضرر واجب است. مصداق عینی این موضوع توسل به زور به منظور دفاع بوده که از استثنائات اصل منع توسل به زور است؛ البته دیدگاه های فقهی در مورد موضوع مذکور گاهی با اختلافاتی مشهود است. وجوب جهاد تدافعی مشروط به رهبری معصوم (ع) یا نایب خاص یا عام وی نیست، لکن با فرض تشکیل حکومت اسلامی مقتدر که رهبری عادل و مطاع در رأس آن است، در صورت امکان

۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
E-mail: ghasemibv@yahoo.com

۲. استاد گروه الهیات و معارف اسلامی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
E-mail: ahangaran@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه مطهری، تهران، ایران.
E-mail: da.naghbi@motahari.ac.ir

۴. دانشیار گروه حقوق بین الملل، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
E-mail: sd.mohebi@gmail.com

و عدم خسارت جدی در تأخیر دفاع تا حصول اذن، دفاع با اذن و مطابق نظر رهبری مشروع و مصلحت‌سنجی او صورت خواهد گرفت. مقاله حاضر ضمن پرداختن به اختلاف دیدگاه‌ها در این خصوص درصدد تبیین دفاع مشروع از دیدگاه اسلام، مبانی فقهی آن و گستره جهاد تدافعی شامل دفاع از اسلام در مقابل فتنه‌گری دشمنان، دفاع از دارالاسلام و کیان اسلامی، دفاع از بلاد اسلامی و نیز دفاع از اتباع دولت اسلامی و مستأمنین و نیز شرایط و محدودیت‌های جهاد تدافعی بوده و برآن است تا محور مباحث را حول دیدگاه‌های امام خمینی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: توسل به زور، دفاع مشروع، جهاد تدافعی، قواعد فقهی، مبانی فقهی، امام خمینی.

مقدمه

یکی از مسائل اساسی در حوزه بین‌الملل معاصر بررسی استثنای‌های وارد بر اصل منع توسل به زور در دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر و تعیین گستره آن است. چه اینکه برخلاف نظریه‌های صلح‌طلبانه افراطی، مانند آنچه جوناتان دایموند^۱ ابراز داشته و هیچ تمایزی میان جنگ عادلانه و ظالمانه، یا تدافعی و تهاجمی قائل نیست و می‌گوید: یا باید جنگ را مطلقاً منع کرد، یا اینکه بگذاریم سیر بی‌پایانش را طی کند، نمی‌توان هیچ ملتی را از حق دفاع مشروع خویش محروم نمود (خسروی، ۱۳۷۳، ص. ۲۶)؛ لذا اولین مورد استثنا که در هر دو نظام حقوقی، البته با تفاوت‌هایی، پذیرفته شده است توسل به زور به منظور دفاع از خود است. بحث ادله مشروعیت، گستره، شرایط و محدودیت‌های جهاد تدافعی (در اسلام) و دفاع مشروع (در حقوق بین‌الملل) و بررسی موارد تطبیقی آن در دو نظام حقوقی، در ضمن تحقیق خواهد آمد.

بدیهی است که تجاوز به انسان‌ها و جمع بشری منحصر به تجاوز نظامی نمی‌شود، بلکه محروم نمودن انسان‌ها از حقوق اساسی آن‌ها از مصادیق مسلم نقض حقوق بشر خواهد بود؛ اما این حقوق اساسی کدام است؟ علی‌رغم پاره‌ای اختلاف نظرها که در حقوق اسلامی و

حقوق بین الملل معاصر به چشم می خورد، در برخی دیگر از آن حقوق؛ از جمله حق حیات، آزادی عقیدتی، حق تعیین سرنوشت، منع شکنجه، امنیت و... اشتراک نظر وجود دارد. به همین جهت مسئله توسل به زور به منظور دفاع از خود نیز موضوع مهمی است. با عنایت به اینکه در اسلام، حق توحید و حق آزادی دعوت به خداپرستی و ایجاد زمینه انتخاب آزادانه دین حق که همانا پس از ظهور خاتم الانبیا حضرت محمد بن عبدالله (ص) در شریعت اسلامی ظهور یافته، از پراج ترین حقوق الهی و انسانی تلقی شده و جهاد در مقابل تجاوز به خود جایگاه خاصی دارد.

مسئله اساسی

در همه عرصه های زندگی بشر، حکومت ها و جوامع مورد حمله و تجاوز قرار گرفته اند و دفاع از خود و سرزمین خود همواره مهم ترین ضرورت امنیت دفاعی و نظامی قلمداد شده است. در اسلام نیز این مهم مورد توجه قانون گذار مقدس قرار گرفته و مبانی فقهی مؤید این مطلب است. اگرچه جهاد از فروعات دین مقدس اسلام است؛ اما باید در نظر داشت که تروریسم و سازمان های تروریستی طی دهه های اخیر خود را به عنوان بازیگری تأثیرگذار در صحنه روابط بین الملل مطرح نموده اند. افزایش حملات تروریستی در نقاط مختلف جهان و واکنش دولت ها در برابر این حملات، سبب گردیده موضوع توسل به زور در قبال اقدامات تروریستی به مسئله مطرح در محافل حقوقی و سیاسی تبدیل گردد. لذا شناخت ماهیت و مفهوم جهاد و اینکه این اختیار بعد امام معصوم (ع) و در عصر غیبت در دست چه کسی است، طرح بحث در خصوص آن و تبیین ماهیت آن جزء لاینفک موضوعات مطروحه در این خصوص است. جنبه نوآوری این تحقیق بر مبنای پرداختن به نظر امام خمینی در این زمینه است. ایشان معتقدند که:

این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر از حضرت امیر علیه السلام بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر علیه السلام بیش از فقیه است، باطل و غلط است. البته فضایل حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیش از همه عالم است؛ و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر علیه السلام از همه بیشتر است؛ لکن زیادی

فضایلی معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه، صلوات الله علیهم، در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولات و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است؛ منتها شخص معینی نیست، روی عنوان «عالم عادل» است (امام خمینی، ۱۳۸۱، صص ۵۱-۵۰).

برخی از فقها مانند صاحب جواهر معتقدند که مقتضای روایت و فتوای صریح فقها این است که جهاد همراه با حاکم ستمگر و غیر ستمگر به جز امام مشروع نیست (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۲۱). به نظر می‌رسد که نظر امام^(ع) به صواب نزدیک‌تر است.

پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه موضوع تحقیق می‌توان به آثار مکتوب زیر اشاره نمود:

عابدین غفاری توران (۱۴۰۰) در کتاب خود با عنوان ابعاد فقهی جهاد دفاعی در قرآن کریم فصل دوم از بخش سوم ضمن برشمردن ماهیت اصل توسل به زور و ممنوعیت توسل به زور در دیدگاه سیاسی اسلام، به موضوع جهاد تدافعی و مصادیق آن بر اساس مصادیق تاریخی اشاره داشته و معتقد است که دفاع در برابر تجاوز به حاکمیت اسلامی مشروع و مورد تأکید فقه اسلام در بحث جهاد و موضوعات مرتبط با آن است و نیز قربانعلی بختیاری (۱۳۹۶) در مقاله «ماهیت حقوقی دفاع مشروع و مستندات فقهی آن با رویکردی به آرای امام خمینی» ضمن پرداختن به برخی مستندات فقهی (روایی) دفاع مشروع و تبیین شرایط آن، نظریه چهارمی ارائه کرده‌اند که اساساً مهاجم تا زمانی که در حال تهاجم است خون و مالش از قاعده کلی احترام خارج است و اگر مدافع باعث خسارت مالی، جرح و یا حتی قتل مهاجم گردد به تکلیف خود عمل کرده و خون و مال مهاجم به دلیل اقوا بودن سبب از مباشر هدر است. همچنین شهریار ربانی (۱۳۷۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «اصل منع توسل به زور و محدوده آن در حقوق بین‌الملل»، دانشگاه شهید بهشتی ضمن تبیین مبانی روابط بین‌الملل و مفاهیم جنگ و صلح در پی آن است که با استناد به دلایل قرآنی، احادیث معصومین^(ع) و قرائن تاریخی، ضمن بررسی اهمیت اصل منع توسل

به زور، در تحقق تعالی صلح جامعه، چگونگی نقش و جایگاه اصل منع توسل به زور و موارد استثنائات آن را تا حدودی بیان نماید و همچنین مولر سن، آر. ا. (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «اصل عدم تهدید و توسل به زور در جهان معاصر»، به قواعد و اصول منع توسل به زور پرداخته و مواردی از تخطی حکومت‌ها را در این باره برشمرده و معتقد است که عرصه بین‌المللی می‌بایست عرصه تعامل و صلح پایدار بر اساس به رسمیت شناختن احترام متقابل باشد نه عرصه نزاع و توسل به زور. وی معتقد است استفاده از اهرم زور در جهان معاصر امری غیرقابل قبول بوده و پاسخ تدافعی به آن حقی برای کشورهای مظلوم قلمداد می‌شود.

۱. مفهوم جهاد

جهاد، جنگ مشروع در راه خدا و عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی است (شیخ طوسی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۷۳). جهاد واژه‌ای عربی است از ریشه جهد به معنای مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۶). قرآن مهم‌ترین منبع کلیدی در مباحث نظری حوزه حقوق اسلام است. در قرآن کریم، کلمه حرب در آیات ۶۴ سوره مائده و ۵۷ سوره انفال و ۴ سوره محمد (ص) به معنای برخورد مسلحانه دو گروه است که با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، عقیدتی و... به مصاف هم می‌روند. همچنین در ۷۰ مورد واژه‌های قتال و اقتتال و مشتقات آن به همین معنی، استعمال شده است. همان‌طور که در محاورات عرفی، مفهوم جنگ توسعه داده می‌شود و با تعبیراتی از قبیل جنگ سرد و مانند آن به کار می‌رود، در قرآن کریم نیز کلمه حرب با چنین توسعه‌ای استعمال شده و مثلاً اصرار بر رباخواری اعلان جنگ با خدا نامیده شده است (بقره: ۲۷۹).
واژه جهاد در کاربرد قرآنی، نسبت به واژه‌های قتال و حرب، رابطه عموم و خصوص من وجه دارد؛ زیرا واژه جهاد، از یک سو فقط در مورد جنگ مقدس و مشروع، به کار رفته و همیشه مورد ستایش و تحسین قرار گرفته است، در حالی که واژه حرب و قتال جز آنگاه که در راه خدا صورت پذیرد، مورد ستایش قرار نگرفته است؛ بلکه اساساً واژه حرب جز در موارد منفی (مورد نکوهش) به کار رفته است و واژه قتال به سه صورت، مطلق، مقید به فی سبیل الطاغوت و مقید به فی سبیل الله به کار رفته است و فقط در فرض اخیر مورد ستایش قرار گرفته است (خسروی، ۱۳۷۳، ص ۵۶). از سوی دیگر واژه جهاد مختص به معنای جنگ نیست،

بلکه هرگونه تلاش و به کارگیری نیروها اعم از فیزیکی و روانی را شامل می‌شود (توبه: ۷؛ عنکبوت: ۶، ۹۶) و حتی صرف مال در مصارف خداپسندانه و تأمین هزینه‌های نظامی، جهاد مالی نامیده می‌شود (توبه: ۲۰، ۸۸). چنانکه مبارزه با هواهای نفسانی و انگیزه‌های شیطانی جهاد اکبر خوانده می‌شود (حج: ۷۸). به همین جهت شاید بتوان سخن شیخ محمد خطیب شربینی را که در ذیل بحث وجوب کفایی جهاد می‌گویند: «و از جمله واجبات کفایی، انجام مباحث استدلالی و حل مشکلات دینی و دفع شبهات و ترویج علوم دینی مانند تفسیر و حدیث و فقه و امر به معروف و نهی از منکر و... است» (شربینی، ۱۴۰۸ به نقل از خسروی ۱۳۷۳، ص. ۵۸) بر جهاد با قلم و زبان تطبیق کرد. چنانچه امین الاسلام طبرسی در تفسیر ارزنده مجمع‌البیان روایتی از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که «المؤمن مجاهد بسیفه و لسانه» و در ذیل آیه شریفه «و جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲) از ابن عباس نقل می‌کند، یعنی الهام گرفتن از قرآن با کفار جهاد کنید. آنگاه می‌گوید: این آیه دلیل بر این است که باشکوه‌ترین جهاد و بزرگ‌ترین آن‌ها، جهاد متکلمین در حل شبه‌های افراد منحرف و دشمنان دین است و ممکن است فرموده رسول خدا (ص) که ما از جهاد کوچک‌تر برگشتیم، باید به سوی جهاد اکبر روی آوریم به همین معنی برگردد، چه اینکه مجاهدت با افراد نادان، به وسیله دلایل و اقامه حجت، بالاتر از مجاهدت با دشمنان دین با شمشیر است (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص. ۲۷۳). این تعمیم بدان جهت است که جهاد از ریشه جهد به فتح یا ضمّ جیم به معنای مشقت، طاقت یا وسع و توان و به معنای بذل جهد است مطلقاً (شمس‌الدین، ۱۹۹۷، ص. ۱۴)، یا به معنای تلاش توأم با رنج و مشقت (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص. ۱۰۱). گویا مجاهد آنچه در توان و طاقت خود دارد بذل نموده، در راه رسیدن به هدفش مصرف می‌کند. به همین جهت گفته‌اند که جهاد همان نبرد به‌عنوان پشتیبانی و حمایت از دین است. در اصطلاح شرع، جهاد به معنی خاص «بذل جان و مال و آنچه جنگ با مشرکین یا شورشیان بر دولت اسلامی، متوقف بر آن است، در راه اعتلای کلمه اسلام است» (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص. ۳۷۹) و در لسان فقها به معنی اخصّ؛ یعنی قتال فی سبیل الله و نبرد در راه خدا به کار می‌رود نه مطلق جنگ و نبرد، بلکه جهاد آن زمانی حقیقتاً جهاد است که برای خدا و اعتلای کلمه الله باشد نه بهره‌مندی دنیوی (شمس‌الدین، ۱۹۹۷، ص. ۲۶). مقصود از جهاد در این تحقیق همین معنای اخصّ است.

تروریسم و سازمان‌های تروریستی طی دهه‌های اخیر خود را به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار در صحنه روابط بین‌الملل مطرح نموده‌اند. افزایش حملات تروریستی در نقاط مختلف جهان و واکنش دولت‌ها در برابر این حملات، سبب گردیده موضوع توسل به زور در قبال اقدامات تروریستی به مسئله مطرح در محافل حقوقی و سیاسی تبدیل گردد (ربانی، ۱۳۷۴، ص. ۲۷). توسل به زور به منظور دفاع از خود در دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر بحث پیش روی است.

۲. دفاع مشروع از دیدگاه اسلام

در نظام حقوقی اسلام، واکنش فرد یا گروه یا کشور موردتهاجم دشمن به منظور دفاع از خود و دفع تجاوز، تحت عنوان جهاد تدافعی مورد بحث قرار می‌گیرد. به همین جهت بحث پیرامون جهاد تدافعی یا دفاع مشروع بدون پی بردن به مفهوم تجاوز ناقص است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۰، ص. ۴۱۲).

قرآن کریم با تحریم تجاوز (اعتدا) « وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ » (بقره: ۱۹۰) معیار آن را تجاوز از مقررات و حدود تعیین شده و احکام الهی (بقره: ۲۲۹) قرار داده و آن را حتی در برابر دشمن متجاوز نیز تجویز ننموده است: «خصوصت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند» (مانده: ۲)، (عمید زنجانی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص. ۴۶۹). به همین جهت مقابله با تجاوز به احکام الهی اعم از حقوق الهی و حقوق انسانی، دفاع محسوب می‌شود. لذا بسیاری از بزرگان، جهاد ابتدایی را که در مقابله با اختناق - که همانا تجاوز به حقوق اساسی بشر (آزادی دینی) است - صورت می‌گیرد، دارای ماهیت دفاعی می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۶، ص. ۶۶۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۸، ص. ۵۱۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ص. ۲۰۹). لکن مقصود ما از جهاد تدافعی، به‌ویژه با در نظر گرفتن حقوق تطبیقی و وضعیت کنونی دنیا و تقسیمات جغرافیایی، توسل به زور و جنگ در برابر تهاجم و تجاوز فیزیکی دشمن به مسلمین، کشورهای اسلامی یا افراد و اتباع و

جمعیت‌های تحت حمایت دولت اسلامی و از سایر اقسام جهاد است ولو آنکه برای دفاع از سایر مسلمین باشد.

از دیدگاه امام خمینی دفاع از مملکت اسلامی، دفاع از نوامیس مسلمین، از واجبات شرعی الهیه‌ای است که بر همه ما واجب است (سهرابی، ۱۳۸۴، ص. ۵۳).
سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نفی هرگونه تسلط پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است (سهرابی، ۱۳۸۴، ص. ۵۳).

امام خمینی در این زمینه می‌گوید: دفاع بر دو قسم است، قسم اول: دفاع از کیان اسلام و حوزه آن و قسم دوم دفاع از نفس که دفاع از جان یا عرض و ناموس یا دفاع از مال و مانند آن است؛ قسم اول را دفاع عام و قسم دوم را دفاع خاص گویند. در قسم اول از دفاع نیاز به حضور امام علیه‌السلام یا اذن نایب خاص او نیست و بر همه مکلفین بدون هیچ قید و شرطی واجب کفائی است که خود دارای اشکال مختلفی است: ۱. دفاع در مقابل استیلا کافر و توسعه آن بر بلاد مسلمین و اخذ بلاد مسلمین یا اسرای آن‌ها؛ ۲. دفاع در مقابل خوف بر استیلا سیاسی و اقتصادی کفار بر حوزه اسلام که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی و تضعیف اسلام و مسلمین می‌شود. در این قسم از دفاع می‌توان از طریق مقاومت منفی از اسلام دفاع کرد، مثل ترک تجارت و رابطه سیاسی و اجتناب از روابطی که منجر به استیلا آن‌ها و تضعیف اسلام و مسلمین شود؛ ۳. دفاع از دیگر دول اسلامی در مقابل هجوم اجانب که بر جمیع مسلمین واجب است به هر وسیله ممکن به دفاع از مسلمین برخاسته، ولو با مبارزه منفی و تحریم و ارشاد دولت اسلامی که با اجنبی عقد و قراردادی بسته است که موجب استیلا آن‌ها می‌شود (ر. ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، صص. ۳۷۹-۳۷۸).

در مباحث زیر به موضوعاتی مانند: ۱. ادله مشروعیت جهاد تدافعی؛ ۲. گستره جهاد تدافعی؛ ۳. شرایط و محدودیت‌های جهاد تدافعی پرداخته می‌شود.

۲-۱. ادله مشروعیت جهاد تدافعی

دفاع از خود، چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین الملل، یک حق مسلم طبیعی و قانونی است. در شرع مقدس اسلام، در حقوق داخلی دفاع از جان و مال و ناموس، حتی در وقت ضرورت تا به حد قتل نفس جایز است و این حق، اساس جنگ دفاعی در عرصه بین المللی است که شریعت اسلامی نیز آن را به رسمیت می شناسد (زحیلی، ۱۴۰۱، ص. ۱۹۲).

۱-۱-۲. قرآن کریم

در آیه ۳۹ سوره حج که به عقیده بعضی، نخستین آیه جهاد است، آمده است: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست». سپس در ادامه این آیه، در توضیح مطلب می افزاید: «همان کسانی که به ناحق از خانه و کاشانه خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند، جز اینکه می گفتند پروردگار ما خداوند یکتاست». تعبیر آیه که با اذن شروع شده، تناسب زیادی با گفته کسانی دارد که آن را، نخستین آیات جهاد می دانند و نشان می دهد که قبلاً چنین ادنی وجود نداشت. به هر حال به خوبی نشان می دهد که آغاز تشریح جهاد، جهاد تدافعی در برابر دشمن بود. همان دشمنانی که مسلمانان را مجبور به هجرت و ترک خانه خود کرده بودند، بی آنکه گناهی داشته باشند، آری اگر گناهی داشتند، گناهشان اعتقاد به توحید و یگانگی خدا بود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۳، ص. ۳۰۲).

برخی دیگر نخستین آیه جهاد را آیه ۱۹۰ بقره می دانند که می فرماید: «با آن ها که به نبرد با شما برخاسته اند، در راه خدا پیکار کنید...». اگر این نظر را بپذیریم، باز پایه جهاد بر اساس درهم شکستن تهاجم دشمن گذارده شده است و هر انسان عاقلی می داند که سکوت در برابر تهاجم دشمن خون خوار با هیچ منطقی سازگار نیست (محقق، ۱۳۷۴، ص. ۲۳۷).

آیات شریفه زیر، بر مشروعیت جهاد تدافعی دلالت دارند: «آن کسانی را که با شما به نبرد برخاسته اند هرکجا یافتید بکشید و از آنجا که شما را بیرون رانند، آن ها را بیرون کنید...» (بقره: ۱۹۱) «پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید» (بقره: ۱۹۴) و آیه ذیل آن، جهاد مالی را مطرح می کند که مبادا با ترک

انفاق در راه خدا و تجهیز سپاهیان اسلام، خود را به دست خود به هلاکت بیفکنید (بقره: ۱۹۵) «پس اگر از شما کناره‌گیری نکردند و به شما پیشنهاد صلح نکردند و از شما دست برنداشتند، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان. آنانند که ما برای شما علیه ایشان تسلطی آشکار قرار داده‌ایم» (نساء: ۹۱)؛ و نیز آیات بسیار دیگر؛ مانند آیات ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۷۳ و ۱۲۳ توبه و همچنین آیاتی که در شأن نزول جنگ‌های صدر اسلام نازل شده و گویای مشروعیت جهاد دفاعی و مذمت از کسانی است که در این امر، سستی می‌ورزیدند؛ از جمله: غزوه بدر (دوم هجری)؛ آیات ۱۳، ۱۲۶-۱۲۳ آل عمران و ۱۹-۵، ۵۲-۴۱، ۶۷-۶۴ انفال؛ غزوه احد (سوم هجری)؛ آیات ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۷۱-۱۴۹ آل عمران؛ غزوه بنی نظیر (چهارم هجری)؛ آیات ۶-۲ حشر؛ غزوه بنی قریظه (پنجم هجری)؛ آیات ۲۶ و ۲۷ احزاب و غزوه خندق (پنجم هجری)؛ آیات ۲۵-۹ احزاب (شکوری، ۱۳۷۱، ص. ۱۹۱).

۲-۱-۲. سنت

علاوه بر سنت عملی رسول خدا (ص) روایات زیادی از شیعه و سنی در این خصوص وارد شده است. چه اینکه به گفته برخی از فقها، تمام جنگ‌های پیامبر (ص) دفاعی بود، هیچ‌کدام تجاوزگرانه نبود. نبرد با مشرکین عرب و شکستن پیمان‌های آنان بعد از فتح مکه، بر اساس همین قاعده بود و این امر در گفتار الهی روشن است (توبه: ۱۵-۱۳) وقتی همه آن‌ها متحد شدند و از یک کمان اسلام را نشانه گرفتند، خداوند دستور نبرد با همه آن‌ها داد (توبه: ۳۶)؛ اما جنگ با یهودیان به این دلیل بود که بعد از هجرت رسول خدا (ص) به مدینه، با آن حضرت معاهده بستند؛ اما دیری نپایید که عهد خودشان را شکستند و در جنگ احزاب (خندق) به مشرکین و منافقین، بر ضد مسلمین پیوستند و در ردیف محاربین قرار گرفتند. آنگاه خداوند متعال فرمود: ای اهل ایمان، با کافرانی که نزدیک‌تر به شما هستند بجنگید و باید کفار، در شما درستی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند (توبه: ۱۲۳). یا (ای اهل ایمان) با آن دسته از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را که خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی‌دانند و به دین حق (آئین اسلام) نمی‌گروند، قتال و کارزار کنید تا آنگاه که با تواضع و فروتنی نسبت به حاکمیت اسلامی، جزیه پرداخت کنند (توبه: ۲۹) (طبرسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص. ۱۸۷). البته برخی از جنگ‌های آن حضرت مانند

غزوه احد و خندق، دفاعی به معنای مضیق آن بود؛ یعنی دفاع از شهر و مسلمین ساکن در آن علیه کفاری که برای ریشه کن کردن مسلمانان اعلان جنگ نموده بودند و با آنکه پیامبر اکرم (ص) حریص بر صلح و مسالمت بود، مکرراً قبایل عرب با نقض عهد و پیمان خود، علیه رسول خدا (ص) شروع به جنگ می نمودند و این است سرّ بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام، مانند نقض عهد یهود، بعد از جنگ بدر که اولین آن‌ها بنی قینقاع و سپس بنی نظیر بودند (هیگل، ۱۴۱۷، ص. ۴۸۵).

عبدالله بن سنان از امام صادق نقل می کند که فرمودند: پیامبر خدا (ص) فرمودند: هر کس در برابر ظلمی که به او شده است بجنگد تا کشته شود شهید است (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص. ۱۸۷). و در حدیث بعدی از امام باقر همین عبارت را نقل و سپس بر دفاع از مال و خانواده و امثال آن تطبیق کردند (حر عاملی، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص. ۹۸). عین صدر این روایت در منابع اهل سنت نیز از آن حضرت نقل شده است (رکابی، ۱۴۱۸، ص. ۴۱۹).

در روایت حفص بن غیاث از امام صادق (ع)، در ضمن برشمردن اقسام جهاد یکی از آن‌ها را «مُجَاهِدَةٌ الذِّينَ يُلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ»؛ یعنی نبرد با کافرانی که به مرزهای شما نزدیک‌ترند را به عنوان فریضه اعلام نموده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص. ۱۳۶). شیخ طوسی در تفسیر تبیان در ذیل آیه ۱۲۳ سوره توبه می نویسد: این آیه دلالت می کند بر وجوب دفاع اهل هر منطقه مرزی از خودشان، هنگامی که از استیلاي کفار بر بیضه الاسلام بترسند و رهبر عادلّی هم وجود نداشته باشد (۱۴۱۹، ج ۵، ص. ۳۲۴).

۳-۱-۲. عقل

مصباح یزدی در بیان حکمت تشریح جنگ و دلیل مشروعیت جنگ‌های دفاعی می نویسد: تردیدی نیست که جنگ مخصوصاً با توجه به ضایعات و تلفات و ویرانی‌ها و نابسامانی‌هایی که به همراه دارد، برای هیچ شخص عاقلی مطلوبیت ذاتی ندارد، بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به اهدافی که انتظار تحقق آن‌ها از راه جنگ می‌رود و نیل به آن‌ها، معمولاً جز از راه جنگ مسیر نیست؛ بنابراین مشروعیت یا عدم مشروعیت جنگ، تابع هدف برپایی آن است. از این رو، همه عقلا، جنگی را که به منظور دفاع از حقوق جامعه‌ای باشد روا می‌دارند، هر چند در تعیین این حقوق، کمابیش اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما دفاع از حقوق جانی

و مالی به خصوص حقوق سرزمینی و وطن مردم، مورد اتفاق همگان است؛ و دفاع از حقوق عرضی و ناموسی را می‌توان بر آن‌ها افزود. همچنین دفاع از حقوق سیاسی و حاکمیت ملی و استقلال کشور در برابر دشمن متجاوز خارجی در عرف بین‌الملل مورد قبول است (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص. ۱۲۲۴).

بسیاری از مفسرین، از جمله علامه طباطبایی، حق دفاع را حق فطری انسان می‌دانند. (۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۷۰). یکی از فقهای معاصر در این خصوص می‌گوید: جای بسی شگفتی است که برخی از مسلمانان و حتی برخی از عالمان دینی پنداشته‌اند در مقابل هجوم کفار و صهیونیست‌ها بر کشورهای اسلامی و کشتار پیرمردان و جوانان و کودکان و زنان و استیلا بر اموال و هتک نوامیس و تخریب معابد و مساجدشان، هیچ‌گونه تکلیف و مسئولیتی متوجه ما نیست، با اینکه وجوب جهاد دفاعی به‌طور یقین مشروط به اذن و اجازه امام نیست و وجوب آن یک ضرورت عقلی و شرعی است (منتظری، ۱۳۶۷، ص. ۲۳۱).

سبزواری نیز در زمره ادله مشروعیت جهاد دفاعی می‌نویسد: عقل به‌طور قطعی به لزوم قطع منشأ فساد و افساد نسبت به جان و عرض و مال حکم می‌کند؛ لذا اگر قصد استیلای بر بلاد اسلامی داشته باشند یا مسلمانان را اسیر کنند یا مال آن‌ها را بگیرند. در این صورت بر همه واجب است که دفاع کنند (۱۴۱۶، ج ۱۵، ص. ۱۰۱). به همین دلیل برخی از حقوق‌دانان اسلامی، اصل را بر صلح و نفی جنگ، جز در شرایط خاص و اهداف مشروع نهاده‌اند (عبدالباقی، ۱۴۱۰، ص. ۵۲).

۴-۱-۲. اجماع

منظور از اجماع در اینجا، تسالم فقهاست، نه اجماع مصطلح؛ زیرا مسئله جواز بلکه وجوب دفاع مشروع بین فقهای اسلامی، حتی نزد تمام عقلای عالم به قدری روشن و مسلم فرض شده است که آنان در طرح بحث خود از این موضوع، درصدد بیان دلیل اصل مشروعیت دفاع برنیاورده‌اند، بلکه صرفاً، در این مقام به بیان ادله تعیین‌کننده شرایط و محدودیت‌ها و ذکر مصادیق آن پرداختند. از طرف دیگر با وجود ادله عقلی و نقلی، اعم از قرآن و سنت، ضرورتی به ادعای اجماع در کلامشان دیده نمی‌شد. ولی بدون هیچ‌شکی مشروعیت دفاع مشروع، محل تسالم فقها بلکه عقلاست و اگر اختلافی وجود دارد، در گستره آن است.

۲-۲. گستره جهاد تدافعی

تردیدی در مشروعیت جهاد تدافعی نیست؛ اما اینک سؤالی که باید بدان پاسخ داد این است که گستره این نوع جهاد تا چه میزانی است؟ به عبارت دیگر، از دیدگاه اسلام در چه مواردی جهاد تدافعی مشروعیت می‌یابد؟ در این قسمت مشروعیت جهاد تدافعی را در موارد ذیل مورد بحث قرار می‌دهیم:

۱. دفاع از اسلام در مقابل فتنه‌گری دشمنان؛
۲. دفاع از دارالاسلام و کیان اسلامی؛
۳. دفاع از بلاد اسلامی؛
۴. دفاع از اتباع دولت اسلامی و مستأمنین.

۲-۲-۱. دفاع از اسلام در مقابل فتنه‌گری دشمنان

بدیهی است در صورتی که دفاع در مقابل این هجمه تبلیغاتی و فتنه‌انگیزی، از راهی مسالمت‌آمیز میسر نباشد، با رعایت شرایط و احکام مقرر در فقه اسلامی، به جنگ و درگیری مسلحانه خواهد انجامید (اشراق، ۱۳۷۶، ص. ۲۲۶). چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دیتان طعن زدند، پس با پیشوایان کفر بجهنگید...» (توبه: ۱۲) و نهضت مقدس سالار شهیدان امام حسین^(ع) در همین راستا بود چنان که خود فرمود: «اگر دین حضرت محمد^(ص) که همانا اسلام است، جز با کشته شدن من استوار نمی‌گردد، پس ای شمشیرهای ظلم و کفر، مرا در برگیرید و قطعه‌قطعه سازید» (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص. ۴۷). امام خمینی در تحریر الوسیله در قسمت‌های مختلف دفاع از حریم و افراد خانه و خانواده را که ظالمانه مورد هجوم قرار گیرند حتی تا حدی که منجر به مرگ مهاجم شود جایز دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۳۸۰).

از کلام ایشان اینگونه نتیجه گرفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، در حقوق داخلی، دفاع از جان و مال و ناموس حتی در وقت ضرورت تا به حد قتل نفس متجاوز جایز است و این حق، اساس جنگ دفاعی در عرصه بین‌المللی است که شریعت اسلامی نیز آن را به رسمیت می‌شناسد. در واقع ادله اربعه: قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع، مستند این حکم به شمار می‌روند.

۲-۲-۲. دفاع از دارالاسلام و کبان اسلامی

هرگاه دارالاسلام و بیضه اسلام به مخاطره بیفتد، دفاع از آن بر همه مسلمانان واجب است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱ و ۲، ص. ۳۷۸). منظور از بیضه الاسلام، کبان اسلامی؛ یعنی دولت اسلامی و استقلال آن است (علامه حلی، ۱۴۰۶، ص. ۱۶۶). همچنان که هنگام لشکرکشی نظامی روسیه به مناطق شمالی ایران در سال‌های انقلاب مشروطه ایران و اواخر قرن نوزدهم میلادی، گروهی از فقهای بزرگ وقت که ساکن نجف بودند، طی نامه‌ای به علمای هندوستان خاطر نشان ساختند که چون دولت‌های عثمانی و ایران، مرکز ترویج دین اسلام و نقطه اعتماد مسلمانان هستند، حفظ اسلام در حفظ این دو دولت است و حمله نظامی روسیه و کشتار مسلمانان ایران، استقلال دولت و اصل اسلام را از بین خواهد برد در نامه دیگری به علمای ایران، اظهار می‌کنند که: حفظ استقلال مملکت اسلامی و رفع هجوم اجانب... فی الحقیقه حفظ اسلام است (کلاتری، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۶)؛ بنابراین حفظ دارالاسلام و استقلال سیاسی و حاکمیت دولت اسلامی، فی نفسه موضوعیت دارد ولو آنکه تهاجم به قصد اشغال بلاد اسلامی یا کشتار و تعرض به مسلمین نباشد.

۲-۲-۳. دفاع از بلاد اسلامی

هرگاه دشمن به سرزمین‌های اسلامی تجاوز کند و قصد اشغال یا استیلای سیاسی بر آن داشته باشد ولو آنکه متعرض مسلمین نشود، دفاع در مقابل این تجاوز نیز واجب است. منظور از بلاد اسلامی، مناطق و کشورهایایی است که اکثر سکنه آن مسلمان باشند ولو آنکه احکام اسلام در آن جاری و حاکم نباشد (عمید زنجانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۴)؛ بنابراین فرق جوهری بلاد اسلامی با دارالاسلام و حکم شرعی دفاع از آن، در نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است (عمید زنجانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۸).

صبحی محمصانی در ضمن شمارش موارد جهاد دفاعی، دفع تجاوز متجاوزین یا ستمگران و کسانی که مسلمین را از خانه‌هایشان آواره ساخته، از شهرشان اخراج و آن‌ها را از وطن به ناحق طرد نموده‌اند، آن گونه که برای اهل فلسطین در قرن بیستم پیش آمد، ذکر نموده، می‌نویسد: جهاد در این وضعیت نه تنها جایز و مشروع است، بلکه از واجب‌ترین واجبات دینی، ملی و اجتماعی است و از مقومات دولت‌ها و ستون‌های کرامت و احترام

وطن و ساکنین در آن است (۱۳۹۲، ص. ۱۹۳).

۴-۲-۲. دفاع از اتباع دولت اسلامی و مستأمنین

هرگاه دشمنان با تهاجم به مسلمین یا دیگر اتباع دارالاسلام (کلیه کسانی که در پناه دولت اسلامی زندگی می‌کنند، حوزه اهل کتاب باشند یا نباشند)، متعرض جان، مال یا ناموس آنان گردند، دفاع در مقابل آنان، مشروع خواهد بود (آقایی، ۱۳۷۶، ص. ۷)؛ زیرا جهاد دفاعی برای حمایت از اتباع، واجب‌تر از جهاد دفاعی برای حفظ بلاد و احترام مسلمانان بالاتر از احترام شهر و دیار است. لکن با این تفاوت که:

۱. دفاع از مال، کم یا زیاد، جایز است اما واجب نیست و این حکم مورد اتفاق شیعه و سنی است. حتی در صورت احتمال خطر جانی، وظیفه او سازش و مسالمت است (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۳۸۱).

۲. دفاع از ناموس واجب است. چنانچه تهاجم نظامی دشمن به بلاد اسلامی یا به دولت اسلامی به منظور تجاوز به ناموس ساکنین آن باشد و یا آنکه نتیجه تهاجم (به هر قصد و غرضی که انجام شود)، تجاوز به ناموس مسلمین و یا جمعیت ساکن در دارالاسلام باشد و مسلمین یا دولت اسلامی قدرت حفظ ناموس مسلمانان را نداشته باشند؛ همان‌طور که امام خمینی می‌گوید: فراری دادن زنان و نوامیس از دست مهاجمین و راه‌های دیگری مانند آن واجب است. چنانچه هیچ راهی برای حفظ ناموس به جز دفاع مسلحانه وجود نداشته باشد، واجب است که دفاع مسلحانه صورت گیرد، حتی اگر این دفاع منجر به کشته شدن مدافعین شود و تأثیری هم در حفظ ناموس نداشته باشد. به‌هرحال تحت هیچ شرایطی، تسلیم کردن ناموس مسلمانان به مهاجمین و نیز خودداری از مقاومت و پایداری، مشروع نیست و دفاع مسلحانه برای حفظ ناموس، مشروط به قدرت نیست (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۳۸۱).

امام نووی نیز در شرح خود بر صحیح مسلم می‌گوید: دفاع از ناموس، بدون هیچ اختلافی واجب است (نووی، ۱۴۲۸ به نقل از عباد، ۱۴۱۸، ص. ۳۲۶)، چنانکه جنگ با یهود بنی قینقاع و کوچ دادن آن‌ها از اطراف مدینه به همین جهت بود (ابن هشام، ۱۴۰۴، ج ۳، ص. ۳).

۵۳) البته مسلمین نخست درصدد تنبیه شخص متجاوز به ناموس خود بودند. لذا ابتدا همان فرد خاطی، مورد تعرض قرار گرفت، لیکن چون بقیه یهودی‌ها نیز به حمایت از او برخاسته بودند و مدافعین از ناموس مسلمین را شهید کردند، دلیل بر رضایت آن‌ها به تجاوز علیه ناموس مسلمین و تظاهر به آن بوده است، لذا رسول خدا (ص) علیه یهودی‌ها اعلان جنگ نمود (شمس‌الدین، ۱۹۹۷، ص. ۴۰۵).

در اینجا چند نکته را خاطر نشان می‌سازیم:

۱. هرگاه دولت‌های کفار، زنان مسلمان را ولو اتباع آن‌ها باشند یا به آنان پناهنده شده باشند، وادار به کشف حجاب و... کنند، این عمل تجاوز به ناموس مسلمین محسوب شده، مجوز اعلان جنگ مسلمین علیه آن دولت خواهد بود. لکن تصمیم‌گیری در خصوص نحوه دفاع و اعلان جنگ و... با رهبر دولت اسلامی است (رکابی، ۱۴۱۸، ص. ۶۶۳).

۲. منظور از تجاوز به اموال مسلمین اعم از املاک خصوصی یا دولتی یا عمومی، خواه به صورت غضب و یا در هم کوبیدن خانه‌ها و گرفتن مراکز صنعتی و تجاری از دست آن‌ها و خواه تجاوز به کشتی‌ها، هواپیماها و پایگاه‌های هوایی مسلمین یا فرودگاه‌ها و... است؛ همه این‌ها تجاوز به اموال مسلمین محسوب می‌شود (رکابی، ۱۴۱۸، ص. ۶۶۳). رسول خدا (ص) نیز به همین دلیل سپاهی را به فرماندهی زید بن حارثه برای تنبیه متجاوزین به دحیه کلبی که اموال او را سلب نموده بودند، مأمور نمود (مروارید، ۱۴۰۶، ج ۴، ص. ۳۳۶).

۳. همان‌طور که دفاع از نفوس، نوامیس و اموال مسلمین واجب است، دفاع از اهل ذمه و مستأمنینی که در پناه حکومت اسلامی، امنیت آنان تضمین شده نیز ضروری است. همچنان که سرخسی در کتاب شرح سیر الکبیر می‌نویسد اهل ذمه مانند مسلمین هستند؛ بنابراین دفاع از اموال آنان، در حکم دفاع از اموال مسلمین است (۱۴۲۶).

دلیل این امر نیز روایاتی است که از رسول خدا (ص) نقل شده؛ که آن حضرت در مورد حفظ حقوق اهل ذمه، با لحنی شدید فرمود: حرمت مرا با رعایت حقوق کسانی که در ذمه و پناه من هستند، پاس دارید (شمس‌الدین، ۱۹۹۷، ص. ۶۶۵). یا هر کس به یکی از

هم‌پیمانان یا مسلمین (اهل ذمه و...) ظلم کند یا بیش از طاقت او به وی تکلیف کند، من (رسول خدا) روز قیامت دشمن او خواهم بود. چنانکه در روایتی از مولی‌الموحدین علی بن ابیطالب نقل شده است که آن حضرت فرمودند: اهل ذمه به این دلیل جزیه می‌پردازند که جان و مال آن‌ها، مانند جان و مال ما در امان باشد (ابن قدامه، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص. ۶۲۳)؛ که به معنای وجوب دفاع از جان و مال اهل ذمه بر مبنای عقد جزیه است (حیدری، ۱۳۷۶، ص. ۱۷۱).

۳-۲. شرایط و محدودیت‌های جهاد تدافعی

بعد از تبیین مشروعیت جهاد تدافعی و موارد آن، اینک جای آن است که از این موضوع بحث کنیم که جهاد تدافعی در چه شرایطی واجب یا جایز (مشروع) می‌گردد و محدودیت‌های آن چیست؟ در این گفتار در طی دو مبحث به ترتیب، از شرایط و سپس از محدودیت‌های جهاد تدافعی بحث می‌کنیم.

۳-۱-۲. شرایط جهاد تدافعی

دفاع از اسلام، مسلمین، بلاد اسلامی و دارالاسلام و جمعیت ساکن در آن، بر همه واجب است و مناط آن قدرت عقلی است، لکن به میزان نزدیکی به مهاجمین و متجاوزین، وجوب این دفاع تأکید می‌شود (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص. ۱۹). در این مبحث در بیان شرایط جهاد تدافعی، نخست به سقوط شرایط اختصاصی معتبر در جهاد ابتدایی پرداخته، آنگاه به نقش فرماندهی و نیز امکانات و قدرت دولت اسلامی در زمره شرایط جهاد تدافعی خواهیم پرداخت.

۳-۲-۲. سقوط شرایط معتبر در جهاد ابتدایی

در جهاد ابتدایی، شرایط و محدودیت‌های خاصی معتبر است که شامل: شرایط معتبر در رزمندگان است که مقرر می‌دارد، جهاد ابتدایی فقط بر مردان بالغ، عاقل، آزاد، تندرست و توانگر واجب است. لذا جهاد دعوت از زنان، اطفال، دیوانگان و افراد فاقد شعور، پیرمردان ضعیف، مریض، کور، تهیدست یا بدهکار، عاجز از ناحیه دست‌وپا، فاقد شناخت فنون

جنگی و فاقد اذن از سوی والدین، ساقط می‌شود (علامه حلی، ۱۴۰۶، ص. ۲۴۳).

شرط زمانی و مکانی را شامل می‌شود که نخست آنکه در ماه‌های حرام و یا در مسجد الحرام و مناطق حرم، آغاز به جهاد ابتدایی حرام است.^۱ دیگر اینکه جهاد ابتدایی می‌بایست بعد از دعوت کفار و مشرکین به اسلام و بیان حق برای آن‌ها و ممانعت آن‌ها صورت پذیرد. و نیز شرایط فرماندهی در جهاد ابتدایی فقط با رهبری معصوم^(ع) یا عادل عالم به احکام اسلامی مشروع است (علامه حلی، ۱۴۰۲، ص. ۱۱۱). تمامی شرایط فوق، جز شرایط عامه تکلیف؛ یعنی بلوغ، عقل و قدرت، در جهاد تدافعی ساقط است. لذا بر همه کسانی که واجد شرایط مذکور باشند دفاع از خود و از کشورهای اسلامی و دین اسلام واجب است. چنانچه دشمنان متجاوز، مسلمان باشند یا در ماه‌های حرام و یا در مسجد الحرام آغازگر جنگ باشند، شرایط معتبر در جهاد ابتدایی ساقط است (میرعلی، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۴).

همان‌طور که فقهای شیعه و سنی تصریح نموده‌اند جهاد تدافعی بر همه کسانی که قادر به دفاع هستند واجب است، پس تنها شرط معتبر در جهاد تدافعی، همانا شرایط عامه تکلیف؛ یعنی بلوغ، عقل و قدرت و آگاهی است (شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص. ۸). ضمن اینکه شیرازی می‌نویسد: چنانچه مکلفین بتوانند از مجانین و اطفال برای دفاع استفاده کنند و آنان را به کاری بگمارند، تشغیل آنان نیز واجب است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۲، ص. ۵۹). حتی اگر مسلمین را سپر بلا قرار دادند، باید حتی الامکان از کشتن آن‌ها خودداری کرد، ولی چنانچه دسترسی به مشرکین و پیروزی حاصل نمی‌شود جز با کشتن این مسلمین، کشتن آنان و دفع تعرض نیز جایز است (علامه حلی، ۱۴۰۶، ص. ۳۶۱).

۳-۲. فرماندهی جهاد تدافعی

علی‌رغم اتفاق فقهای شیعه و سنی بر عدم اشتراط جهاد تدافعی به وجود امام معصوم یا عادل به این دلیل که اگر از بلاد اسلامی دفاع نشود و دشمن رانده نشود حق از بین رفته و کفر بر دارالایمان غلبه پیدا می‌کند، به نظر می‌رسد که این نگرش در فرض وجود دولت اسلامی مقتدر محل مناقشه و تأمل باشد؛ زیرا فلسفه وجود حکومت اسلامی و زیربنای

۱. آیات ۱۹۱، ۱۹۴ و ۲۱۷ سوره بقره.

مشروعیت آن، هدایت و رهبری امور از سوی حاکم مشروع دولت اسلامی و در تعبیر فقهای شیعه ولایت فقیه؛ یعنی کارشناس عادل و متبحر در اداره و تدبیر امور اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ص. ۹۶).

همان‌طور که آیت‌الله شیرازی معتقدند که در جهاد تدافعی اگر دفعتاً و غیر منظم باشد، نیاز به اذن امام ندارد، اما اگر سازمان‌دهی شده و منظم باشد، نیاز به اذن امام دارد. همان‌طور که در جنگ احد و خندق باینکه دفاعی بود، محتاج اذن پیامبر (ص) بود و در سایر جنگ‌های صدر اسلامی نیز تعیین فرمانده جنگی با رسول خدا (ص) و ولی امر مسلمین بود (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ص. ۱۴۸).

بنابراین در فرض تشکیل حکومت اسلامی و وجود رهبری مشروع و نافذ در رأس حکومت، جهاد تدافعی باید با کسب اجازه از مقامات صالحه و مشروع حکومت اسلامی باشد و الا جمعیت‌های مسلمان بدون آن نمی‌توانند اقدام به آن نمایند؛ اما به‌طور کلی و در غیر این صورت، وجوب جهاد تدافعی مشروط به وجود رهبری یا کسب اذن از سوی او نیست.

۴-۳-۲. قدرت و امکانات دولت اسلامی

تردیدی نیست که امر دفاع در هنگام تهاجم نظامی دشمن به دولت اسلامی، مشروط به توانایی دور نمودن دشمن از سرزمین و دفع تجاوز از مسلمین و بازداشتن مهاجمین از زیان و آزار نسبت به مسلمانان و جمعیت ساکن در دارالاسلام است (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص. ۴۸). البته به‌حسب دستور خداوند متعال به «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (انفال: ۶۰) دولت‌های اسلامی موظف هستند که تا بالاترین حد ممکن، نیروی نظامی و جنگی مورد نیاز در برابر دشمنان موجود و دشمنان احتمالی را آماده نمایند تا دشمنان خدا و دشمنان مسلمانان را بترسانند و غرض حقیقی از این آمادگی، کسب حداکثر توان قابل دسترسی برای دفاع و حفظ جامعه از تهدیدات جانی و مالی و آبرویی دشمن است؛ بنابراین هدف اساسی از کسب آمادگی، ایجاد ترس بازدارنده از دشمنی دشمنان است. مسلمین و دولت اسلامی باید نیرویی که برتر از همه دشمنان است تدارک بینند تا دشمن از پیروزی در جنگ با

مسلمانان ناامید شود و این آمادگی، ضامن پیروزی سریع و قطعی مسلمانان در صورت وقوع جنگ مسلحانه از سوی کفار است (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص. ۸۵۲).

نتیجه آنکه؛ دفاع از دین و جان و مال و اعراض مسلمین و نیز دفاع از دارالاسلام و بلاد اسلامی تا حد مقدور واجب است. کسب آمادگی و تهیه مقدمات و مجهز شدن به سلاح روز و تمرین و کسب تجربه برای استفاده از آن، شرط وجودی دفاع است نه شرط وجوبی آن؛ یعنی عملاً بدون داشتن قدرت و امکانات لازم، دفاع امکان‌پذیر نبوده، تحقق خارجی نخواهد یافت. لکن این مسئله به معنای سازش‌کاری و تن به ذلت دادن و دست کشیدن از دفاع نیست، همان‌گونه که قرآن کریم دستور می‌دهد. البته در فرض اضطرار آن هم با تشخیص مصلحت از سوی رهبری عادل و عالم که از اتهام به سازش‌کاری در دین مبرا است، می‌توان برای تخفیف آثار تجاوز و خسارت‌های جانی و مالی بیشتر، مبادرت به عقد صلح نمود (منتظری، ۱۳۶۷، ص. ۲۳۶).

۲-۴. محدودیت‌های جهاد تدافعی

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۹۰ بقره می‌گوید: ماهیت جهاد در اسلام دفاعی محض است تا حق انسانیت که بر اساس فطرت سلیم حق مشروع بشریت است بدان وسیله حفظ شود و دفاع هم بالذات محدود است و تجاوز همان خروج از آن حدود است و به همین جهت به دنبال آیه فوق فرمود: تجاوز نکنید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد. نهی از تجاوز، مطلق است و منظور از آن تمام مصادیق تجاوز است؛ مانند نبرد قبل از دعوت به حث و شروع درگیری و کشتن زن و بچه و پایان ندادن به دشمنی؛ بنابراین یک سری محدودیت‌ها، نه به جعل و قرارداد که ذاتی دفاع است؛ از جمله:

۱. وقوع تجاوز (بقره: ۱۹۰)؛ ۲. اصل تناسب (بقره: ۱۹۴)؛ ۳. در حد ضرورت (بقره: ۱۹۳)؛
۴. پایبندی به اصول انسانی و رعایت ارزش‌ها، ولو آنکه طرف مقابل ناچوانمردی کند (۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۶۲). لذا پیامبر (ص) بعد از فتح مکه فرمودند: امروز روز مرحمت است نه ملحمه و انتقام (ابن هشام، ۱۴۰۴، ج ۴، ص. ۴۹).

لذا اقدامی که به‌منظور دفاع از خود به عمل می‌آید باید در واکنش به یک تجاوز سابق بر آن و متناسب با رفع تجاوز و در همان حد که برای رفع تجاوز و خاتمه دادن به

آن ضرورت داشته باشد و با رعایت اصول و قواعد انسانی از جمله: مثله نکردن و نکشتن انسان‌های ناتوان که در وقوع تجاوز نقشی نداشتند، صورت گیرد.

۳. تفاوت‌های توسل به زور به منظور دفاع از خود در حقوق بین‌الملل اسلام و حقوق

بین‌الملل معاصر

توسل به زور به منظور دفاع از خود که در حقوق بین‌الملل اسلام با عنوان جهاد تدافعی و در حقوق بین‌الملل معاصر با عنوان دفاع مشروع از آن یاد می‌شود، جزء جدایی‌ناپذیر همه نظام‌های حقوقی است. لکن مسئله فوق با تفاوت‌هایی در دو نظام حقوقی پذیرفته شده است. از جمله آن تفاوت‌ها می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

الف) مشروعیت و عدم مشروعیت دفاع پیشگیرانه در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر؛ زیرا بر اساس دستور صریح قرآن و سنت رسول مکرم اسلام^(ص) اقدام بازدارنده احتیاطی، جایز بلکه احیاناً واجب است. لذا در اسلام نیز دفاع پیشگیرانه به مفهوم موسع آن مورد پذیرش نیست. ولی با توجه به تفسیر معتبر از اصل منع توسل به زور که همانا تفسیر موسع از بند ۴ ماده ۲ منشور است و نیز تفسیر صحیح از حق دفاع مشروع به عنوان استثنا بر اصل فوق که همانا تفسیر مضیق از ماده ۵۱ منشور است، نظریه مشروعیت دفاع پیشگیرانه در مقابل خطر قریب الوقوع، خارج از چارچوب دفاع مشروع قرار خواهد گرفت. باین حال، همان‌طور که ملکم شاول^۱ خاطر نشان ساخته است، مشکل اساسی در مشروع قلمداد نمودن دفاع پیشگیرانه، فقدان سازوکار مناسب به منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی از آن است. بدین جهت شاید بتوان با ایجاد تمایز بین جنگ تهاجمی و دفاع مشروع بازدارنده، بین دو نظام حقوقی در مسئله فوق، تقریب حاصل نمود (مولر سن، ۱۳۷۷، ص. ۹۸).

ب) مشروعیت حمایت از اتباع دولت اسلامی مقیم خارج، علی‌رغم اختلاف نظر شدید آن در حقوق بین‌الملل معاصر؛ زیرا یکی از مسئولیت‌های مهم دولت‌ها، حمایت از جان و مال اتباعشان است، همچنان که یکی از مسئولیت‌های دولت میزبان، رعایت

1. Shaw, Malcolm N. (Malcolm Nathan)

و حمایت از حقوق افراد و جمعیت ساکن در آن کشور است. ریشه بسیاری از مخالفت‌ها با مشروعیت این امر در حقوق بین‌الملل، نگرانی آن‌ها از سوءاستفاده از این مسئله است و الا اگر بتوان سازوکار مناسبی در عرصه روابط بین‌المللی بدین منظور ایجاد نمود، اقدام مسلحانه برای حمایت از اتباع مقیم خارج به شکل محدود، مشروع است و در این صورت با حقوق بین‌الملل اسلام، مشترک خواهند بود.

ج) مشروعیت مقابله به مثل مسلحانه با توسل به زور در اسلام در مقابله با یک اقدام مسلحانه کمتر از جنگ و عدم مشروعیت آن در حقوق بین‌الملل معاصر؛ زیرا از جمله موارد جهاد تدافعی در اسلام اصل مقابل به مثل است، درحالی که مفهوم دفاع مشروع، مقابله به مثل مسلحانه را جز در مقابله با جنگ و یک حمله مسلحانه (که شامل اقدامات قهری کمتر از جنگ نمی‌شود) بر نمی‌تابد. مع ذلک آن گونه که خاطر نشان ساخته‌اند، برخی از دانشمندان برجسته حقوق بین‌الملل، ضمن مجاز شمردن توسل به مقابله به مثل، معتقدند که چنین شیوه‌ای همچون جنگ، شیوه خود تدافعی است و در این صورت بین دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر وحدت یا مشابهت حاصل خواهد شد.

نتیجه‌گیری

نتایج مقاله از این قرار است:

- الف) بر اساس آیات قرآن کریم و روایات واردشده جنگ و جهاد در برابر دفاع از خود امری لازم و ضروری است چنانچه هیچ جنگی در اسلام متجاوزانه نبوده بلکه جنبه دفاعی برای حکومت اسلامی داشته است. از طرفی عقل نیز جنگ را گرچه مذموم؛ اما در صورت نبود چاره، آن را امری ضروری می‌پندارد.
- ب) گستره جهاد تدافعی شامل: ۱. دفاع از اسلام در مقابل فتنه‌گری دشمنان؛ ۲. دفاع از دارالاسلام و کیان اسلامی؛ ۳. دفاع از بلاد اسلامی و نیز دفاع از اتباع دولت اسلامی و مستأمنین است.
- ج) جز شرایط عامه تکلیف که همانا قدرت عقلی است (و شامل حیات، قدرت، عقل و آگاهی می‌شود)، شرط دیگری در مشروعیت جهاد تدافعی معتبر نبود.

د) شرایط جهاد تدافعی شامل وقوع تجاوز؛ اصل تناسب؛ در حد ضرورت؛ پایبندی به اصول انسانی و رعایت ارزش‌ها، ولو آنکه طرف مقابل ناجوانمردی کند عنوان شد. ه) وجوب جهاد تدافعی مشروط به رهبری معصوم^(ع) یا نایب خاص یا عام وی نیست. لکن با فرض تشکیل حکومت اسلامی مقتدر که رهبری عادل و مطاع در رأس آن است، در صورت امکان و عدم خسارت جدی در تأخیر دفاع تا حصول اذن، دفاع با اذن و مطابق نظر رهبری مشروع و مصلحت‌سنجی او صورت خواهد پذیرفت. از طرفی تحصیل قدرت و امکانات لازم، شرط وجود و تحقق دفاع است نه شرط وجوب آن.

و) جهاد تدافعی به مقتضای طبیعت خود به رعایت اصول تناسب، به ضرورت، اصول انسانی و وقوع تجاوز محدود است.

جهاد تدافعی با دفاع مشروع تفاوت‌هایی دارد از جمله اینکه مشروعیت مقابله به مثل مسلحانه با توسل به زور در اسلام هرگونه اقدام مسلحانه کمتر از جنگ و عدم آن هم تلقی شده؛ اما مشروعیت آن در حقوق بین‌الملل معاصر جز در مقابله با جنگ و یک حمله مسلحانه (که شامل اقدامات قهری کمتر از جنگ نمی‌شود) معتبر نمی‌داند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آقایی، بهمن (۱۳۷۶). فرهنگ حقوق بشر. تهران: انتشارات گنج دانش.
- ابن قدامه، عبدالله ابن احمد (۱۴۰۳ق). المغنی. بیروت: عالم الکتب.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۴۰۴ق). السیرة النبویه. بیروت: دارالقلم.
- اشراق، محمد کریم (۱۳۷۶). تاریخ و مقررات جنگ در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ

- اسلامی، چاپ سوم.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم.
- بختیاری، قربانعلی (۱۳۹۶). ماهیت حقوقی دفاع مشروع و مستندات فقهی آن با رویکردی به آرای امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۱۹(۷۶)، ۲۱-۵۲.
dor: 20.1001.1.24236462.1396.19.76.2.8
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). تفسیر تسنیم. قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء.
- حر عاملی محمد بن حسن (۱۴۰۵ق). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹ق). الفقه کتاب الجهاد. بیروت: دارالعلوم، الطبعة الثانية.
- حیدری، حمید (۱۳۷۶). توسل به زور در روابط بین‌الملل از دیدگاه حقوق بین‌الملل و فقه شیعه. تهران: انتشارات اطلاعات.
- خسروی، علی‌اکبر (۱۳۷۳). حقوق بین‌الملل دفاع مشروع، تهران: مؤسسه فرهنگی آفرینه.
- خطیب شریینی، محمد بن احمد (۱۴۰۸ق). سراج المنیر فی الاعانة علی معرفة بعض معانی کلام ربنا الحکیم الخبیر. القاهرة: مطبعة بولاق (الأمیریة).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. تهران: دفتر نشر الكتاب، الطبعة الثانية.
- ربانی، شهريار (۱۳۷۴). اصل منع توسل به زور و محدوده آن در حقوق بین‌الملل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- رکاابی، شیخ (۱۴۱۸ق). الجهاد فی الاسلام. دمشق: دارالفکر.
- زحیلی، وهبه (۱۴۰۱ق). العلاقات الدولية فی الاسلام. بیروت: الرساله.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۲۶ق). شرح السیر الکبیر. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- سهرابی، محمد (۱۳۸۴). استراتژی دفاعی در دیدگاه امام خمینی. تهران: انتشارات عروج.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۱). فقه سیاسی اسلام: اصول سیاست خارجی اسلام. قم: نشر حر،

چاپ دوم.

- شمس الدین، محمد مهدی (۱۹۹۷). جهاد الامه. به قلم حسن مکی، بیروت: دارالعلم للملایین.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی (۱۴۱۲ق). الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه. بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی جبعی عاملی (۱۴۱۴ق). مسالک الافهام. بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الثانی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق). تهذیب الاحکام. تهران: مکتبه الصدوق.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۰ تابستان). مشروعیت جنگ و توسل به زور از دید حقوق بین الملل. مجله سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۵(۲).
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۲). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۹ق). جوامع الجامع. تهران: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، الطبعة الثانية.
- عباد، جمال الدین (۱۴۱۸ق). نظم الحرب فی الاسلام. القاهرة: مکتبه السنة المحمدیه.
- عبدالباقی، نعمه عبدالله (۱۴۱۰ق). القانون الدولي العام، دراسة مقارنة بين الشريعة الاسلامية و القانون الوضعی. بیروت: دار الاضواء.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۲ق). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم: مرکز الابحاث والدراسات الاسلامیه (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۶ق). قواعد الاحکام، در البناهی الفقهیّه. تهران: مرکز بحوث الحج و العمره.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۸). وطن و سرزمین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). فقه سیاسی: حقوق بین الملل اسلامی. تهران: انتشارات

- امیرکبیر، چاپ دوم.
- غفاری توران، عابدین (۱۴۰۰). ابعاد فقهی جهاد دفاعی در قرآن کریم. قم: انتشارات حکمت.
- کلاتری، علی اکبر (۱۳۷۴). جزیه و احکام آن در فقه اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- محقق، محمدباقر (۱۳۷۴). نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه. تهران: انتشارات اسلامی، چاپ ششم.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۰۶ ق). سلسله الینایع الفقهیه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸). جنگ از دیدگاه قرآن کریم، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع. جلد ۱، تبیین مبانی نظری جنگ و دفاع، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- محمصانی، صبحی رجب (۱۳۹۲ ق). القانون و العلاقات الدولية فی الاسلام. بیروت: دارالعلم للملایین.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی، دولت و حکومت. ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران: مؤسسه کیهان.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۶ ق). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤسسه المنار، الطبعة الرابعة.
- مولر سن، آر. ا. (۱۳۷۷). اصل عدم تهدید و توسل به زور در جهان معاصر. ترجمه منیژه اسکندری زنجانی، نشریه سیاست خارجی، ۱۲(۱)، ۱۱۹-۹۰.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۶ ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة السابعة.
- نووی، ابوذکریا یحیی بن شرف (۱۴۲۸ ق). ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین. مصر: دارالوفاء.
- هیکل، محمد خیر (۱۴۱۷ ق). الجهاد و القتال فی السياسة الشرعية. بیروت: دارالبیارق، الطبعة الثانية.

- Abdol-Baqi, N. A. (1993). *The general law in the comparison between the Islamic law and the practical law*. Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]
- Aghaei, B. (1999). *Human rights culture*. Tehran: Ganj Danesh Publications. [In Persian]
- Allama Hili, H. (1993). *The different Shiites in the rulings of the Sharia*. Qom: Center for Research and Darsat al-Islamiya (Islamic Propaganda Office of Qom Seminary) . [In Arabic]
- Allama Hili, H. (1996). *Qawā'id al-Ahkam, in al-Yanabi al-Fiqhiyyah*. Tehran: Hajj and Umrah Research Center. [In Arabic]
- Amid Zanjani, A. A. (2013). *Political Jurisprudence, Islamic International Law*. Tehran: Amirkabir Publications, 2nd edition. [In Persian]
- Amid Zanjani, A. A. (1999). *Homeland and land*, Tehran: Islamic Culture Publishing House. fifth edition. [In Persian]
- Bakhtiari, G. A. (2016). The legal nature of legitimate defense and its jurisprudential documentation with an approach to Imam Khomeini's opinions. *Matin Research Journal*, 19(76), 21-52. doi: 10.1001.1.24236462.1396.19.76.2.8
- Ebad, J. (2004). *The order of war in Islam*. Al-Cairo: Al-Sunnah Al-Muhammadiyah School. [In Arabic]
- Javadi Amoli, A. (1997) *Interpretation of Tasnim*. Qom: Inter Milli Center, Israa Publishing. [In Persian]
- Hurr Amili, M. (1989). *Tafsil vasail Al-Shia Ela Tahsil Masail Al-Sharia*. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, second edition. [In Arabic]
- Heydari, H. (1997). *Resorting to force in international relations from the point of view of international law and Shia jurisprudence*. Tehran: Information Publications. [In Persian]
- Heykal, M. Kh. (1996). *Al-Jihad and fighting in Al-Sharia politics*. Beirut: Dar al-Biyarq, second edition. [In Arabic]
- Hosseini Shirazi, S.M. (1997). *Fiqh Kitab al-Jihad*. Beirut: Darul

- Uloom, Taba' Al Thaniyyah. [In Arabic]
- Ibn Hisham, A.M. (1983). *Al-Sira al-Nabawiya*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
 - Ibn Qudama, A. (1984). *Singer*. Beirut: Alam al-Katb. [In Arabic]
 - Ishraq, M. K. (1997). *History and rules of war in Islam*. Tehran: Islamic Farhang Publishing House, Third edition. [In Persian]
 - Ghafari Turan, A. (2021). *Jurisprudential dimensions of defensive jihad in the Holy Quran*. Qom: Hekmat Publications. [In Persian]
 - Khatib Sherbiny, M. (1988). *Siraj al-munir fi alaeanat ealay maerifat baed maeany klam rabina alhakym alkhahir*. Cairo: Bulaq Press (Al-Amiriya). [In Arabic]
 - Khomeini, S.R. (2000). *Tahrir al-Wasila*. Tehran The Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. [In Arabic]
 - Khomeini, S. R. (2002). *Islamic Government (Velayat Faqih)*. Tehran: The Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini, 11th edition. [In Persian]
 - Khosravi, A. A. (1994). *International law of legitimate defense*. Tehran: Afarine Cultural Institute. [In Persian]
 - klantri, A. A. (1998). *Jizya and its rulings in Islamic jurisprudence*. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers. [In Persian]
 - Makarem Shirazi, N & a group of colleagues. (1994). *Sample interpretation*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya, 8th edition. [In Persian]
 - Mahmassani, S. (2013). *Law and international relations in Islam*. Beirut: Dar al-Alam Lamlayin. [In Arabic]
 - Mesbah Yazdi, M. T. (1989). *War from the perspective of the Holy Quran*. recognizing the aspects of aggression and defense, controversy 1, Explaining the theoretical foundations of war and defense, Tehran:

- Secretariat of the International Conference on Aggression and Defense.
[In Persian]
- Mohaghegh, M. B. (1993). *A sample of insights on the revelation of verses according to Sheikh Tusi and other popular and special commentators*. Tehran: Islamic Publications, 6th edition, [In Persian]
 - Montazeri, H. A. (1988). *Islamic jurisprudence buildings (state and government)*. Translated and reported by Mahmoud Salawati, Tehran: Kayhan Institute. [In Persian]
 - Morwarid, A. A. (1990). *Silsilat alyanabie alfihiat*. Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya, [In Arabic]
 - Mousavi Sabzwari, S. A. (1995). *Mohdhab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa l-Haraam*. Qom: Al-Manar Institution, fourth edition. [In Arabic]
 - Muller Sen, R. A. (1998). The principle of non-threat and recourse to force in the contemporary world. translated by Manijeh Eskandari Zanjani, *Foreign Policy Magazine*, Tehran, 12(1), 119-90. [In Persian]
 - Najafi, M. H. (1985). *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharayie al-iislam*. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, seventh edition. [In Arabic]
 - Nawawi, A. (2008). *Riyad al-Salihin from the words of the Master of the Messengers*. Egypt: Dar al-Wafaa. [In Arabic]
 - Rabbani, Sh. (2014). *The principle of prohibition of resorting to force and its scope in international law*. master's thesis, Shahid Beheshti University. [In Persian]
 - Raghیب Isfahani, H. (1993). *Vocabulary in the strange things of the Qur'an*. Tehran: Book publishing book, second edition. [In Arabic]
 - Rekabi, Sh. (2001). *Al-Jihad fi Islam*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
 - Sarkhasi, M. (2005). *Sharh Al-Sir Al-Kabir*. Qom: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. [In Arabic]
 - Shahid al-Thani, Z. (1991). *Al-Rudha al-Bahiya in Sharh al-Lama'a -al-Damasqiyyah*. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, third edition. [In Arabic]

-
- Shakuri, A. (1991). *Islamic political jurisprudence: principles of Islamic foreign policy*. Qom: Hur Publishing House, second edition. [In Persian]
 - Shamsuddin, M. M. (1997). *Jihad of the Ummah*. By: Hassan Makki, Beirut: Dar al-Elam Lalmalayin. [In Arabic]
 - Sohrabi, M. (2014). *Defense strategy in the view of Imam Khomeini*. Tehran: Aruj Publications. [In Persian]
 - Tabarsi, A. (1989). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah, [In Arabic]
 - Tabarsi, A. (1992). *Jawamie Al-jamie*. Tehran: Management Center of Qom Seminary and Publishing and Printing Institute of Tehran University, second edition. [In Arabic]
 - Tabatabai, S.M.H. (1983). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya, 4th edition. [In Arabic]
 - Tusi, M. (1994). *Al-Tibyan fi Tafsir Al-Qur'an*. Beirut: Darahya Al-Turath Al-Arabi. [In Arabic]
 - Tusi, M. (2001). *Tahzib al-Ahkam*, Tehran: Al-Saduq Library. [In Arabic]
 - Zahili, W. (1996). *Al-alealaqat Dawliyyah fi Islam*. Beirut: Al-Rasalah. [In Arabic]
 - Ziyai Bigdeli, M. R. (1991). The legitimacy of war and the use of force from the point of view of international law. *Foreign Policy Journal*, Tehran: Office of International Political Studies, 5(2).

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

